

## معنای مرگ بر ضد ولایت فقیه چیست؟ آیا همه‌ی مراجع مؤید ولایت فقیه هستند؟ چرا باید برای همه‌ی مسلمانان مرگ بخواییم و چگونه می‌توانیم ادعای وحدت و دوستی با همه‌ی مذاهب نماییم؟

ابتدا دقت فرمایید که اساساً چرا بعد از سی سال، این شبهات مجدد تکرار می‌گردد و از چه ناحیه‌ای القا و نشر می‌یابد؟ و از طرح آن چه مقاصدی دنبال می‌شود؟ چرا که طرح سؤال یا شبهه، همیشه برای فهم پاسخ نمی‌باشد و اغلب مقاصد دیگری در آن دنبال می‌شود! به همین دلیل شاهدیم که بیشتر شبهات سیاسی، هم‌زمان با یک جریان و حتی موضع‌گیری (خارجی) طرح شده و شیوع می‌یابد. بدیهی است که توجه به این مهم خود بخش عمده‌ای از پاسخ است. به منظور پرهیز از اطاله‌ی کلام، از توضیح مبسوط مجدد خودداری می‌گردد و فقط به صورت مختصر یادآوری می‌گردد:

**الف** - ابتدا باید معنای «مرگ بر» و ریشه‌ی آن را به خوبی دانست که در پاسخ (۷) به صورت مبسوط به ریشه‌ی قرآنی و فلسفه‌ی آن اشاره شده است.

**ب** - اما در مورد «ضد»، باید توجه داشت که به هر ناباور و یا حتی مخالفی «ضد» اطلاق نمی‌شود، که برخی از مراجع یا سایر مسلمانان و مذاهب را در بر بگیرد. «ضد» کسی است که نابودی کسی یا چیزی یا واقعیتی را می‌خواهد. پس بدیهی است که طرف مقابل نیز نابودی آن را بخواهد، چرا که این تقابل و تضاد، حتماً باید به نابودی یک طرف تمام شود و مصالحه بین آنها محال است. مثلاً کسی که ضد جهل یا ضد فقر یا ضد ظلم است، نمی‌تواند با آنها وحدت نموده یا مصالحه نماید. همین‌طور اگر کسی یا سیستمی یا جریانی ضد اسلام، ضد قرآن، ضد ولایت و ... بود، با آن مصالحه‌ای ندارد. پس، چه این «مرگ بر ضد ...» به زبان گفته شود یا نشود، از سوی طرفین به آن عمل می‌شود و بیان فقط جنبه‌ی شعار و اظهار و بار تبلیغاتی دارد.

هر چند این مبحث نیز قبلاً مبسوط بیان گردیده و در فایل‌های فوق قابل مطالعه است، اما جهت تبرک و روشن‌تر شدن موضوع، به بیان مقام معظم ولی فقیه در این باره مجدد اشاره می‌گردد:

«... مطالبه کردن با دشمنی کردن فرق دارد. این که ما گفتیم گاهی اوقات معارضه‌ی با مسئولان کشور نشود - که الان هم همین را تأکید می‌کنیم؛ معارضه نباید بشود - این به معنای انتقاد نکردن نیست؛ به معنای مطالبه نکردن نیست؛ در باره رهبری هم همین جور است. این برادر عزیزمان می‌گوید «ضد ولایت فقیه» را معرفی کنید. خوب، «ضد» معلوم است معنایش چیست؛ ضدیت، یعنی پنجه در افکندن، دشمنی کردن؛ نه معتقد نبودن.

اگر بنده به شما معتقد نباشم، ضد شما نیستم؛ ممکن است کسی معتقد به کسی نیست. البته این ضد ولایت فقیه که در کلمات هست، آیه‌ی مُنزل از آسمان نیست که بگوئیم باید حدود این کلمه را درست معین کرد؛ به هر حال یک عرفی است. اعتراض به سیاست‌های اصل ۴۴، ضدیت با ولایت فقیه نیست؛ اعتراض به نظرات خاص رهبری، ضدیت با رهبری نیست. دشمنی، نباید کرد».

۱۳۸۶/۷/۱۷ - در دیدار با دانشجویان نخبه، برتران کنکور و فعالان سیاسی فرهنگی

پس، همان‌طور که مشهود است، شعار «مرگ بر ضد ولایت فقیه» نه تنها سایر مسلمین را شامل نمی‌گردد و منافاتی با وحدت ندارد، بلکه هر مخالفی را هم شامل نمی‌گردد. بلکه فقط شامل آنانی است که با مسئله‌ی «ولایت فقیه» و استقرار آن سر جنگ دارند.

**ج -** اهل سنت نیز مانند هر انسان عاقل دیگری واقف‌اند که «وحدت» شرعاً و عقلاً باید حول یک محوری صورت پذیرد و هیچ‌گاه با پراکندگی وحدتی حاصل نمی‌گردد. و بر اساس فقه خود گواهی می‌دهند که این «وحدت» باید حول محور امام و ولی‌امر باشد. (هر چند ممکن است تعریف آنها از امام یا ولی‌امر متفاوت باشد، اما در اصل آن شکی ندارند). لذا بیعت با ولی‌امر (در هر گوشه‌ای از دنیا که مستقر شده باشد) را واجب و تخطی‌کننده از آن را باغی و یاغی می‌دانند.

البته ممکن است همان‌گونه که بسیاری از شیعیان از فقه خود اطلاع لازم و کافی ندارند، عده‌ی زیادی از مسلمانان اهل سنت نیز [به دلیل جهل یا سالوسی و سیاسی بزرگان خود] از فقه خود غافل باشند که آنان برادرانی هستند که باید برای آگاهی آنان با دلسوزی و خلوص کامل تلاش نمود.